قتل عام

حجاج یمنی

توسط وهابیان

بسم الله الرحمن الرحيم

قتل عام حجاج یمنی توسط وهابیان

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

نشریه درسهایی از مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

قتل عام حجاج یمنی توسط وهابیان

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران۷۹-۴۸۹۱

عنوان و نام پدیدآور : قتل عام حجاج یمنی توسط وهابیان

منشا مقاله : ، درسهایی از مکتب اسلام، سال ۴۰، ش ۲ ، (اردیبهشت ۱۳۷۹): ص ۵۵ - ۶۲.

توصیفگر : وهابیه

توصیفگر : کشتار دسته جمعی

توصیفگر : عربستان سعودی

توصیفگر : انگلستان

توصیفگر : آل سعود

مقدمه

در سال ۱۳۴۱ وهابیان با حجاج یمنی که هیچ گونه وسیله ی دفاعی با خود نداشتند، روبه رو شدند. آنان در ابتدا با حجاج همراه شدند و به ایشان امان دادند ولی بعدا نیرنگ بکار بردند وقتی که به دامنه ی کوه رسیدند وهابیان در قسمت بالای و پهنای کوه قرار گرفتند و حجاج یمنی در پائین، آنگاه دهانه ی توپها را به طرف آنها کرده و همه را به گلوله بستند و همه ی آنها را که حدود هزار نفر بودند، کشتند و تنها دو نفر موفق به فرار شدند و از جریان این کشتار وحشیانه اطلاع دادند. مرحوم علامه ی امینی، پس از نقل این جریان و جنایت هولناک می گوید: «صاحب المنار طبق عادت دیرینه اش که برای اعمال زشت و ناهنجار وهابیان عذرتراشی می کند، از این جنایت هولناک وهابیان نیز در مجموعه مقالات خود «الوهابیون و الحجاز» این چنین عذرتراشی کرده است: «پس از درگذشت سید محمدعلی ادریسی که از منطقه ی عسیر به نفع پادشاه نجد کناره گفته بود، ملک حسین به آنجا یورش برد و وهابیان را سخت گوشمالی داد و به دنبال آن رویداد قتل حجاج یمنی پیش آمد، وهابیان به تصور آن که آنان سپاهیان امدادی ملک حسین هستند، به سوی آنها تیراندازی کردند و پس از آن که به اشتباه خود پی [صفحه ۵۶] بردند سلطان عبدالعزیز از

امـام یحیی پوزش خواست و بـا پرداخت غرامت معقولی بر حفظ مراتب دوستی موافقت کردنـد». [۱] . با این گونه عذرتراشی های خنک و فاسد هرگز نمی تواند جنایات وهابیان را در ریختن خون مسلمانان توجیه کند و بپوشاند زیرا این اولین بار نیست که وهابیان وحشـی دست به چنین جنایت هولناک می زننـد، بلکه آنها در هر فرصتی که پیش آمـده، دهانه ی توپهای خود را به سوی مسـلمانان گشوده انـد و مسـلمانان را با نیرنگ و سـتم گاه در سوریه و گاه در حجاز یا عراق و یمن کشـتار کرده اند، آری این جنایـات وهابیهـا را همه فهمیـده انـد و هرگز این عـذرهای بـدتر از گناه نمی توانـد بر روی آنها پرده کشـد! صاحب المنـار می گویـد: وهابیهـا گمـان کردنـد که حجاج یمنی کمک و سـپاه امـدادی ملک حسـین هسـتند، چگونه می توان چنین احتمالی داد در صورتی که آنها سـلاح با خود نداشـتند و آنها مجاز نبودنـد در کشور دیگری با خود سـلاح حمل کنند و اگر آنها اسـلحه با خود داشتند وهابیها نمی توانستند آنها را قتل عام کنند، آیا وضع زائران خانه ی خدا از وضع جنگجویان شناخته نیست؟! چگونه انسان عاقلی می توانـد چنین احتمالی بدهـد که این جمعیت حجاج سپاه امدادی باشـند؟ آیا وهابیها درباره ی عربهای شـرق اردن نیز تصور کرده بودنـد که آنان سـپاه امـدادی هسـتند که با آنها در خانه هایشان جنگیدند و همه شان را به توپ و گلوله بسـتند و همه را از بین بردنـد؟! آیا مردم عراق را نیز سـپاه امـدادی می پنداشـتند که پی در پی به آنها یورش می بردند و می کشتند و غارت می کردند و... [۲] .

هجوم وحشیانه ی وهابیان بر حجاز

ابن سعود به تدریج نفوذ خود را در تمام سرزمین

نجـد توسـعه داد و رقیب نیرومنـد خود ابن الرشـید را از میان برد، درصـدد برآمد حکومت خود را توسـعه دهد و حجاز را به [صفحه ۵۷] تصرف خود درآورد و حرمین شریفین را ضمیمه ی حکومت خویش نماید. مسأله ی فتح حجاز به واسطه ی وجود شهرهـای مقـدس مکه و مـدینه بسـیار دشـوارتر و حسـاستر بـود. از سـوی دیگر ابن سـعود که اکنون سـالی ۰۰۰ / ۶۰ لیره ی استرلینگ از انگلسـتان دریافت می کرد مایل نبود برخلاف میل آنها عمل کنـد. و بالاخره فرقه گرائی خشونت آمیز وهابیان از نظر عربها و مسـلمانان غیر وهابی خوشایند نبود و سبعیت و بی رحمی آنان زمانی که یک قرن پیش محمد بن مسعود حاکم بر مکه بود، از خاطره ها محو نشـده بود. حال برای فتـح حجاز عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن سـعود می بایستی دو کار انجام دهد، یکی این که انگلیسی ها را به وفاداری بی چون و چرای خود نسبت به آنان کاملا مطمئن سازد و دیگر این که مسلمانان جهان را متقاعد کند که قادر به سـرپرستی و نگهبان اماکن مقدس اسـلام می باشد. در مورد نکته ی اول کار ابن سـعود مشـکل نبود زیرا می دانست انگلسـتان از دست شـریف حسـین به تنـگ آمـده است، حسـین مرتب سالوسـی هـا و ریاکاریهـای گذشـته ی انگلیسـی ها را به رخ آنها می کشـید و از آن مهمتر جهان اسلام را بر ضد اعلامیه ی بالفور و ایجاد یک «کانون ملی یهود» در فلسـطین به شورش دعوت می کرد، لـذا انگلیسـی ها از همان شخصـی که در «جنگ جهانی اول» به عنوان «قهرمان قیام عرب» نام می بردند، اکنون با صـفتهای «مزور، دروغگو، زودباور، شـکاک، لجوج، خودپسند، نادان، حریص و بی رحم» و به عبارت خلاصه نفرت انگیز یاد می کردند. [۳]

. و نیز آن طور که مؤلف تاریخ مکه نوشته است [۴] ، مطامع استعماری انگلیسیها اقتضا می کرد که بندر عقبه را از حجاز جدا سازنـد و ادعا می کردنـد که آن را ضـمیمه ی شـرق اردن که تحت حکومت امیر عبـدالله فرزند شـریف حسـین است، خواهند ساخت. شریف در این باره، به انگلیسیها سخت پرخاش کرد و آنان در عوض او را در مقابل [صفحه ۵۸] رقیب دیرینه اش ابن سعود، تنها گذاشـتند، عاقبت ابن سعود، تصمیم گرفت به حجاز حمله کند، از این روی در غره ی ماه ذیقعده ی سال ۱۳۴۲ در ریـاض انجمنی مرکب از علمـای وهابی و رؤسای قبائل به ریاست پـدرش عبـدالرحمن تشـکیل داد. ابتـدا عبـدالرحمن آغاز به سخن کرد و گفت نامه هایی رسیده و از ما درخواست سفر حج کرده اند من آن نامه ها را نزد فرزندم عبدالعزیز فرستاده ام، او امام شـماست، و هر چه می خواهید از او بخواهید. سپس ابن سعود خطاب به حاضرین گفت: نامه های شما رسید و از شکایت شما آگاه شدم، هر چیزی پایانی دارد و هر کاری باید به موقع انجام گیرد. بعد از سـخنان ابن سـعود، مذاکراتی جریان یافت و در نتیجه همه ی حاضـران حمله به حجاز را تأیید کردند. مدت سه سال بود که شـریف حسـین به نجدیان، اجازه ی حج نداده بود. ابن سـعود به دنبال تصـمیم به جنگ، سپاهی به فرماندهی سلطان بن بجاد به سوی مکه، گسیل داشت، نیروهای وهابی در سال ۱۳۴۲ به محلی رسـیدند که از آنجا شـهر طائف یکی از شهرهای مهم حجاز دیده می شد، شهرتی که نیروهای رزمنده ی وهابی بهم زده بودند، طوری بود که قوای پادگان طائف که فرماندهی آن را علی بن حسین،

پسر حسین امر حجاز برعهده داشت، پیش از آن که حمله آغاز شود، فرار کردند. چند ساعت بعد، پس از آن که مذاکرات در مورد تسلیم شهر با زعمای قوم صورت گرفت ابن سعود وارد طائف شد. با آن که زعمای قوم شهر را تسلیم کرده بودند، خونریزی بی رحمانه ای صورت گرفت و مردم بی دفاع شهر اعم از مرد و زن و اطفال را از دم تیغ گذراندند و رقم کشته شدگان که در میان آنها علما و صلحا زیاد بود، نزدیک دو هزار نفر بودند، مغازه های بازار را تاراج کردند و خانه ها را به آتش کشیدند و چندان کارهای زشت انجام دادند که از شنیدن آنها مو بر بدن انسان راست و دل هر انسانی کباب می شود، چنانکه در دفعات [صفحه ۵۹] قبل نیز نظیر این جنایات را کرده بودند از جمله کشته شدگان، شیخ عبدالله زواری مفتی شافعی ها بود که از مسجد بیرون کشیدند و قطعه قطعه کردند و در میان کشته شدگان برخی پرده داران و خدمتگزاران کعبه ی مکرمه که برای ییلاق به طائف آمده بودند، دیده می شدند. البته ابن سعود نتوانست این جنایات هولناک را انکار کند و ضمن اعتراف، کار وهابیان را به اعمال خالد بن ولید در فتح مکه تشبیه کرد و با سخن رسول خدا که در آن زمان فرمود: «اللهم انی ابرء الیک مما صنع خالد» پوزش خواست. [۵] . سعودیها امروزه می گویند: احتمالا ارتش بر اثر تحریکاتی که شده بود، واکنش بیش از حد تندی نشان داد. ولی آنچه مسلم است، خبر این کشتار در سراسر حجاز پیچید و وحشت آفرید ملک حسین، انگلیسی ها را به کمک طلبید، سفیر انگلیس

بـه او وعـده داد که درخـواست وی را به دولت متبـوع خـویش اطلاـع دهـد. شـریف از جـده به مکه بـاز گشت و منتظر کمک انگلسـتان نشست ولی آن دولت در جواب درخواست او به سفیر خود اشعار داشته بود که جنگ میان ابن سعود و ملک حسین یک جنگ مـذهبی است که انگلسـتان به خود اجازه ی مـداخله در آن را نمی دهـد، اما اگر زمینه را مساعـد ببینـد، حاضـر به میانجیگری می باشد. [۶] . طبق گفته ی «جرج آنتونیوس» دولت انگلسـتان گفته بود اگر طرفین درخواست کنند که میان آنها، حکم شود، در کارشان مداخله خواهد کرد. [۷] . و بنا به نقل دیگر انگلیسـی ها در پاسخ حاضر شدند صرفا او را تا بندر عقبه اسـکورت و همراهی کننـد که از حجـاز خـارج شـود و به نفع پسـر خود علی کنـاره گیری نمایـد. [صـفحه ۶۰] در آن موقـع، جمعیتی در مکه به نـام حزب وطنی تشـکیل یـافت که هـدف نهائی آن رها ساختن حجاز از وضع آشـفته ای بود که دچار آن گردیـده بود، جمعیت مزبور، مقرر داشت که ملـک حسـین، به نفع فرزنـد خود ملک علی، از حکومت کنار برود و ملک علی فقط پادشاه حجاز باشد. این جمعیت به این مزبور در تاریخ چهارم ربیع الأول سال ۱۳۴۳ تلگرافی به امضای صد و چهل تن از علما و اعیان و تجار و اصناف دیگر به ملک حسین مخابره کرد و موضوع مزبور را به او تکلیف نمود. ملک حسین ناگزیر این پیشـنهاد را پـذیرفت و حزب وطنی در روز بعـد، ضـمن تلگرافی، ملک علی را که در جـده بود، از جریان آگاه ساخت و او به مکه آمد

و در تاریخ پنجم ربیع الأول ۱۳۴۳ زمام امور را در دست گرفت اما این تدبیر هیچ مشکلی را حل نکرد، زیرا اولا با مخالفت خشک انگلستان مواجه شد و ثانیا ابن سعود به ملک علی همان نظری را داشت که به ملک حسین پدرش دارا بود. [۸] . چنین حکومتی در حول علی بن حسین تشکیل شد، اما هیچ کشوری آن را به رسمیت نشناخت. تا مدت یک سال بعد هنوز مسأله ی حقوقی حجاز حل نشده بود و علی بن حسین کناره گیری پدر به نفع خود را عنوان کرده خود را حاکم حجاز دانست در همان سال وهابیان بی آنکه جنگی رخ دهد، وارد شهر مقدس مکه شدند، ملک حسین و پسرش که به جده رفته بودند، وهابیها خانه ی او را غارت کرده و تمام دارائی او را تصاحب نمودند. آنگاه او بالاجبار از حجاز خارج و روانه ی بندر عقبه گردید. پس از رسیدن به مقصد، در راه پیشرفت ملک علی کوشش فراوان می کرد و به دوام حکومت وی امید فراوان داشت. در همین حال دولت انگلستان به وسیله ی یکی از امیرالبحرهای خود به ملک حسین اخطار کرد در مدت سه هفته بندر عقبه را ترک کند و به هر کجا می خواهد برود. وی ابتدا این اخطار را جدی نگرفت، ولی پس از جریاناتی که رخ داد، مجبور شد [صفحه ۶۱] سوار کشتی شود و عازم جزیره ی قبرس گردد. شریف حسین به قدری به انگلیسیها بدبین شده بود که غذا جز از دست آشپز مخصوص خود نمی خورد و می ترسید وی را مسموم کنند. شریف تا سال ۱۹۳۱ م در قبرس ماند و در این سال

بیمار شد وی را به عمان (پایتخت اردن مرکز پسرش امیر عبدالله) انتقال دادند و در آنجا و در همان سال فوت کرد و در جوار قدس شریف در بیت المقدس مدفون ساختند. [۹] . سرزمین حجاز، بجز مدینه و جده و بندر ینبع در تصرف قوای ابن سعود افتاده بود از طرفی نمایندگانی از دو سوی، در رفت و آمد بودند تا مگر قضیه با صلح فیصله یابد، اما هیچ نتیجه ای نمی گرفتند. در روز دهم ربیع الثانی سال ۱۳۴۳ ابن سعود به نیت عمره، از ریاض به سوی مکه حرکت کرد و برای پیشبرد مقصود خود دست به ابتکاری زد و از سران مسلمانان جهت برگزاری یک کنفرانس اسلامی دعوت به عمل آورد، تا درباره ی این که چگونه بیت الله الحرام از تمایلات سیاسی دور نگاه داشته شود، با یکدیگر تبادل افکار نمایند، ظاهرا فقط مسلمانان هندوستان به دعوت او پاسخ مثبت دادند. [۱۰] . ابن سعود در حالی که جمعیت زیادی از سپاهیان و علمای نجد و جمعی از خاندان محمد بن عبدالوهاب و عده ای از رؤسای قبائل همراه او بودند، در مدت بیست و چهار روز به نزدیکی مکه رسید، در کوه عرفات «ابن لؤی» یکی از فرماندهان سپاه او در مکه، با هزار تن از جمعیت اخوان، به استقبال وی آمد ورود او به مکه غروب روز هفتم جمادی الأولی سال ۱۳۴۳ بود. پس از فتح طائف و مکه توسط وهابیان، جنگ میان ابن سعود و ملک علی در جده درگرفت و در همان سال برنامه ی حج تعطیل گردید. ملک علی جمعی از افسران [صفحه ۶۲] سوری و افراد دیگر را به حجاز فراخواند و اسلحه و

هواپیما خرید و پولها خرج کرد، ولی فائده ای نداشت وهابیها جده را محاصره کردند، و چون محاصره ی جده به طول انجامید، امیرعلی ناگزیر از مصالحه با وهابیها گردید و قرارداد صلح به وسیله ی کنسول انگلستان در جده تدوین شد و او با یک کشتی جنگی بریتانیائی و یا وسیله ی قطار از جده خارج گردید. [۱۱] . وهابیها به سال ۱۳۴۴ وارد این شهر شدند و کشتی های ملک حسین را تصاحب کردند و ملک علی در عراق نزد برادرش ملک فیصل اقامت گزید و با خروج او از حجاز ملک سعود پادشاه نجد و حجاز هر دو شد و وهابیها بر مدینه و تمام سرزمین حجاز دست یافته و عربهای حجاز را زیر فرمان خود درآوردند. ابن سعود در گرماگرم جنگ با امیرعلی می گفت که او به حجاز نیامده مگر آن که مردم حجاز را از ظلم و ستم اشراف رهائی بخشد و او قصد ندارد پادشاه حجاز بشود و در این خصوص او از مردم حجاز نظر خواهد خواست. [۱۲] . او این سخنان را همچون دیگر سیاستمداران و نیرنگ بازان دنیا که پیش از به قدرت رسیدن وعده ها می دهند و هرگز بدان عمل نمی کنند، بر زبان می راند ابن سعود به عنوان پادشاه حجاز تاجگذاری کرد «اخوان» (سربازان خاص سعودی) ناخرسندی خود را ابراز داشتند و در مراسم تاجگذاری شرکت نکردند. «اخوان» به تدریج از رئیس خود ناراضی شده بودند، آنها گمان می کردند که در راه خدا پیکار می کنند ولی نمی دانستند که در خدمت جاه و شکوه امیر قرار دارند. [۱۳] .

پاورقی

[۱] الوهابيون و الحجاز: ص ۳۳.

[۲] کشف الارتياب: ص ۵۰ - ۵۱.

[۳] نظام آل سعود، ص

.۵۴

[۴] تاریخ مکه: ج ۲، ص ۲۳۶.

[۵] کشف الارتیاب: ص ۵۲.

[۶] المملکه العربیه السعودیه: ج ۲، ص ۳۰۰ – ۲۹۹.

[۷] یقظه العرب: ص ۴۵۵.

[۸] صلاح الدین مختار، تاریخ المملکه العربیه السعودیه، ج ۲، ص ۳۰۰.

[۹] صلاح المختار، ج ۲، ص ۳۰۶ و ۳۱۴ تا ۳۱۶. [

[۱۰] نظام آل سعود: ص ۵۷.

[۱۱] تاریخ المملکه العربیه السعودیه: ج ۳، ص ۳۵۷ و ۳۶۳.

[۱۲] کشف الارتیاب: ص ۵۳.

[۱۳] نظام آل سعود، ص ۵۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹